

بازگشتن کنیزگان به نزد رودابه

به دست اندرون هر يك از گل دو شاخ
زبان کرد گستاخ و دل کرد تنگ
شگفت آیدم تا شما چون شوید؟
به تنگی دل از جای برخاستند
به راه گلان دیو واژونه نیست
ز روی زمین شاخ سنبیل چنیم
نباید گرفتن بدان هم شمار
سراپرده شاه زابل نبود
به زین اندر آرد به شبگیر پای؟
کند بر زمین تان هم آنگاه پست
نشستند و با ماه گفتند راز
بپرسید رودابه از کم و بیش
به دیدن بهست ار به آواز و نام؟
چو با ماه جای سخن یافتند
همش زیب و هم فر شاهنشاهی
سواری میان لاغر و برفراخ
لبانش چو بسد، رخانش چو خون
هیون ران و موید دل و شاه فر
از آهو همین است و این نیست ننگ
چو سیمین زره بر گل ارغوان
وگر نیستی مهر نفزایدی
ز ما بازگشتست دل پر امید

رسیدند خوبان به درگاه کاخ
نگه کرد دربان بر آراست جنگ
که بی گه ز درگاه بیرون شوید
بتان پاسخش را بیاراستند
که امروز روزی دگرگونه نیست
بهار آمد از گلستان گل چنیم
نگهبان در گفت کامروز کار
که زال سپهبد به کابل نبود
نبینید کز کاخ، کابل خدای
اگر تان ببیند چنین گل به دست
شدند اندر ایوان بتان طراز
نهادند دینار و گوهر به پیش
که چون بودتان کار با پور سام؟
پری چهره هر پنج بشتافتند
که مردیست بر سان سرو سهی
همش رنگ و بوی و همش قد و شاخ
دو چشمش چو دو نرگس قیرگون
کف و ساعدش چون کف شیر نر
سراسر سپیدست مویش به رنگ
سر جعد آن پهلوان جهان
که گویی همی خود چنان بایدی
به دیدار تو داده ایمش نوید

کنون چاره کار مهمان بساز
چنین گفت با بندگان سروبن
همان زال کو مرغ پرورده بود
به دیدار شد چون گل ارغوان
رخ من به پیشش بیاراستی
همی گفت و لب را پر از خنده داشت
پرستنده با بانوی ماه روی
که یزدان هر آنچت هوا بود داد
یکی خانه بودش چو خرم بهار
به دیبای چینی بیاراستند
عقیق و زبرجد برو ریختند
همه زر و پیروزه بُد جامشان
بنفشه گل و نرگس و ارغوان
از آن خانه دخت خورشید روی

بفرمای تا بر چه گردیم باز
که دیگر شدستی به رای و سخن
چنان پیر سر بود و پژمرده بود
سهی قد و زیبارخ و پهلووان
به گفتار و زان پس بها خواستی؟
رخان هم چو گلنار آگنده داشت
چنین گفت کاکنون ره چاره جوی
سرانجام این کار فرخنده باد!
ز چهر بزرگان برو بر، نگار
طبق های زرین بیاراستند
می و مشک و عنبر برآمیختند
به روشن گلاب اندر آشامشان
سمن شاخ و سنبل به دیگر کران
بر آمد همی تا به خورشید بوی

آهو: عیب و ناپاکی

بُسد: مرجان

به زین اندر آوردن: زین کردن اسب

پست کردن: خوار کردن، بی قدر و اعتبار کردن

پیر سر: سپید موی

جعد: زلف، گیسو، موی

دل را تنگ کردن: به ستوه آمدن، آزرده و ملول شدن

زبرجد: نوعی زمرد

زیب: نیکویی و زینت، آرایش و جمال

سراپرده: پرده سرا، خیمه

سرو بن: درخت سرو

سمن: گل سه برگه و یاسمین است

سهی: راست و بلند بالا

شاخ: مجازاً گردن و سر

شبگیر: سحرگاه، اوّل صبح

شمار گرفتن: قیاس کردن، حساب کردن

طراز: شهری است در ماورالنهر

عنبر: ماده ای خشبوی که از موج های

اقیانوس هند بدست میاورند

فرّ (فرّه): فروغ ایزدی

کابل خدای: شاه کابل

کار مهمان: کار مهمانی و پذیرایی

نگار: نقش، تصویر

نوید: آگاهی، خبرخوش، مژده

واژونه: وارانه، شریر، ملعون

هوا: هوس، میل، تمایل

مأخذ

۱. شاهنامه فردوسی (از روی نسخه مسکو)، نشر محمد، تهران، ایران، چاپ دوم، ۱۳۷۸
شابک (ISBN): ۹۶۴-۵۵۶۶-۳۵-۵
۲. شاهنامه (جلد اول) از دستنویس موزه فلورانس، دکتر عزیزالله جوینی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۲
شابک (ISBN): ۹۶۴-۰۳-۴۷۱۴-۰
۳. شاهنامه (جلد دوم) از دستنویس موزه فلورانس، دکتر عزیزالله جوینی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۵
شابک (ISBN): ۹۶۴-۰۳-۵۳۱۶-۷
۴. لغت نامه دهخدا (CD)، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
شابک (ISBN): ۰۹۵-۴۳-۶۰۱۰-۹
۵. فرهنگ فارسی عمید، موسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، ایران، ۱۳۸۱
شابک (ISBN): ۹۶۴-۰۰-۰۱۳۱-۷
۶. فرهنگ لغات و ترکیبات شاهنامه، داریوش شامبیاتی، نشر آران، چاپ اول، ۱۳۷۵
۶. شاهنامه فردوسی (CD)، نشر کانون انفورماتیک، تهران، ایران،
<http://www.kanoon.net>
۸. <http://www.farhangiran.com>
۹. <http://shahnameh.com>